



Identifying Women's Positive Live Experiences of Motherhood

Javad Khodadadi Sengdeh¹, Fatemeh Ghahremani Mutlaq², Fariba Ebrahimi³

1. (corresponding author), Doctor of Counseling, Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Khodadadi@atu.ac.ir
2. Senior Dashanjovi of School Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. ghahremani.m@gmail.com
3. Senior School Counselor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. fariba001998@gmail.com

ABSTRACT

Received: 11/03/2023 - Accepted: 01/07/2024

Amin: The purpose of this research is to identify the positive changes and growth of mothers in different dimensions after adopting the role of parenting. **Method:** This qualitative research was conducted using the thematic analysis approach. The studied population is equal to the participants of the research, it included couples who have lived for at least 7 years and have at least one 2-year-old child, are relatively satisfied with their lives, live in Tehran and participated in the research with their consent. The participants were selected from eligible clients through targeted sampling and available methods. The sampling process continued until theoretical saturation was reached and finally 18 participants were studied through interviews. **Results:** According to the results of the research, mothers believe that since the birth of a child, they experience changes in personal, marital and social relations; So that the personal dimensions include: the expansion of responsibility, the expansion of self-concept and patience; Also, the developments that we witness in the marital relationship include intimacy, enrichment of marital cohesion, consolidation of boundaries and creation of parental identity, and finally, the developments of social relations include revision of the social role and expansion of the bond with the family of origin. **Conclusions:** Having children creates positive changes in mothers in personal, marital, social-cultural dimensions, which increases the satisfaction of the couple relationship.

Keywords: parenting, personal development, marital development, social development and thematic analysis



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۰، تابستان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i90.16068

شناسایی تجارب زیسته مثبت زنان از مادر شدن

جواد خدادادی سنگده^۱، فاطمه قهرمانی مطلق^۲، فریبا ابراهیمی^۳

۱. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Khodadadi@atu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
F.ghahremani.m@gmail.com
۳. دانشجوی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
fariba001998@gmail.com

(صفحات ۳۴-۵۵)

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی تغییرات مثبت و رویش‌های مادران در ابعاد مختلف بعد از اتخاذ نقش والدگری است.

روش: این پژوهش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمونی (تماتیک) انجام شد. جمعیت مورد مطالعه، برابر است با مشارکت‌کنندگان پژوهش، زوج‌هایی که حداقل ۷ سال از زندگی‌شان گذشته و دست کم صاحب یک فرزند ۲ ساله باشند، از زندگی خود رضایت نسبی داشته، ساکن تهران باشند و با رضایت در پژوهش مشارکت کرده‌اند را شامل می‌شد. مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و به روش دردسترس از بین مراجعان واجد شرایط انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۸ مشارکت‌کننده از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌ها: باتوجه به نتایج تحقیق، مادران معتقدند از زمان به دنیا آمدن فرزند، دچار رویش‌هایی در ابعاد شخصی، زناشویی و روابط اجتماعی می‌شوند؛ به طوری که ابعاد شخصی شامل: گسترش مسئولیت‌پذیری، گسترش خودپنداره و صبر می‌شود؛ همچنین رویش‌هایی که در رابطه زناشویی شاهد آن هستیم عبارتند از صمیمت، پربارسازی انسجام زوجی، تحکیم مرزبندی و ایجاد هویت والدینی و در آخر، رویش‌های روابط اجتماعی عبارتند از بازنگری در نقش اجتماعی و گسترش پیوند با خانواده مبدأ.

نتیجه‌گیری: ورود فرزند تغییرات مثبت در ابعاد شخصی، زناشویی، فرهنگی - اجتماعی در مادران ایجاد می‌کند که همین امر سبب افزایش رضایت‌مندی از رابطه زوجی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: والدگری، رویش‌های شخصی، رویش‌های زناشویی، رویش‌های اجتماعی و تحلیل مضمون.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

مقدمه

چرخه زندگی از مراحل تشکیل شده است که از بین مراحل، ازدواج مهم‌ترین منبع معنادهی به زندگی شناخته می‌شود (ساپنا^۱، ۲۰۱۶). انسان در طول زندگی روابط متعددی را تجربه می‌کند؛ ازدواج مهم‌ترین در عین حال پایدارترین رابطه بین دو نفر محسوب می‌شود (کریمی و اسمعیلی، ۱۳۹۹). از نظر سیستمی، خانواده از زیر منظومه‌هایی تشکیل شده است؛ زیر منظومه‌ی همسران مهم‌ترین زیرمنظومه است به طوری اگر رابطه زناشویی ادامه پیدا کند خانواده، پایداری باقی می‌ماند. آنچه که بر کارآمدی، استحکام و دوام زیر منظومه‌ی همسران تأثیر می‌گذارد، کیفیت رابطه‌ی زناشویی است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۲).

ازدواج با توجه به اعمال و رفتار زوج‌ها، در مسیر موفقیت یا شکست قرار می‌گیرد (مازوکا، کافتسیوس، لیوی و پرساگهی^۳، ۲۰۱۹). در گذرگاه زندگی، ازدواج موفق مهم‌ترین و با ارزش‌ترین سرمایه زوج‌ها به حساب می‌آید. در این نوع ازدواج‌ها، رضایت و سازگاری زناشویی، نمره بالایی را به خود اختصاص می‌دهد (خدادای، کلائی و گوهری پور، ۱۳۹۹). یک ادواج موفق محصول همکاری، همیاری، همدلی، گذشت، شجاعت و تعهد داشتن است (دهدست، ۱۴۰۱). مهم‌ترین شاخص تعیین‌کننده کیفیت و ثبات رابطه‌ی زناشویی، رضایت زوجی است که به صورت نگرش‌ها و احساسات کلی فرد درباره‌ی همسر و روابط زوجی تعریف می‌شود (بچمن، لوین، ژائو، زراچ و سولومون^۴، ۲۰۱۸). در رضایت، بعد روان‌شناختی آن در نظر گرفته می‌شود که شامل ابعاد فردی و محیطی می‌شود؛ ابعاد فردی بعد عاطفی و جنسی را در برمی‌گیرد و بخشی از ابعاد محیطی شامل مشارکت‌ها است؛ سهم یکسان در تصمیم‌گیری‌ها، درآمد مالی و

-
1. Sapna,
 2. Goldenberg, & Goldenberg
 3. Mazzuca, Kafetsios, Livi, & Presaghi
 4. Bachem, Levin, Zhou, Zerach, & Solomon

مشارکت در کار و مشکلات (ای و اکانلی^۱، ۲۰۱۸). رضایت از ازدواج، خودش را به صورت کنارآمدن با سختی‌ها و آسان ساختن تعارض‌های زوج‌ها نشان می‌دهد (دلداده مقدم و باقری، ۱۳۹۶). فتحی (۱۳۹۵) در پژوهش خود عوامل تاثیرگذار در ازدواج‌های رضایت‌مند و ناراضی را بررسی نموده و الگوی آماده سازی ازدواج مبتنی بر پنج غایت (عشق، شادی، شکوفایی، پیوند مطلوب با خانواده و بستگان و والدگری موفق) گزارش کرده است. تقریباً تمامی زوج‌ها در ابتدای زندگی زناشویی سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند؛ اما گاهی این رضایت در طول زمان در اثر تعامل با متغیرهایی کاهش می‌یابد (هیتنر و هاس، ۲۰۲۱).

ازدواج سالم از پایه‌های تعهد، رضایت زناشویی و عدم حضور عناصری نظیر پیمان شکنی تشکیل شده است (رجبی، کریمی وردنجانی و تقی پور، ۱۳۹۷)؛ به طوری که مجموعه‌ای از نیازهای روانی - جسمانی زوج‌ها، از قبیل عشق و علاقه، مصاحبت، همراهی و امنیت برآورده می‌شود (ونوور^۲، ۲۰۱۶). دانشپور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی عوامل مؤثر بر موفقیت رابطه‌ی زوجی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که زوج‌ها هفت عامل اصلی را علت موفقیت خود می‌دانند که عبارت‌اند از: اعتماد و تعهد به یکدیگر، مشورت کردن در امور زندگی، احساس صمیمیت، حل مشکلات زوجی با یکدیگر، همکاری زوج‌ها در تربیت فرزندان، به اشتراک گذاشتن عقاید مشترک و ابراز عشق و محبت به یکدیگر. کیفیت رابطه زناشویی بالا با سلامتی فرزندان، کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت آن‌ها، حضور فرزندان و بهبود نزدیکی رابطه‌ی بین والدین و کودکان ارتباط دارد (مارک و پایک^۳، ۲۰۱۷). با بررسی پیشینه‌ی پژوهش الگار، گریچ و تریس^۴ (۲۰۱۲) در خانواده‌های سالم، زن و شوهر زمان‌های دو نفره‌ای را به خود و رابطه اختصاص می‌دهند، بیانگری عاطفی و هیجانی دارند و همچنین از روابط

1. Ay, & Okanli
2. Vanover
3. Mark, & Pike
4. Elgar, Craig, & Trites

ولی-فرزندی کارآمدی نیز برخوردار هستند.

در طبیعت زندگی فراز و نشیب‌هایی وجود دارد و رابطه زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ در این مراحل زوج‌ها باید از مهارت‌های حل بحران در جهت برطرف کردن مسئله استفاده کنند (گوپیک و همکاران، ۲۰۱۷^۱). زوج‌ها با آموزش راهبردهای مقابله‌ای کارآمد و به کارگیری آنها همبستگی بین خود را افزایش داده و در نتیجه از حجم فشار مسائل کم می‌کنند (فرازی، نامنی، نجات و صفاریان، ۱۴۰۱)

یکی از آن تکالیفی که ممکن است زوج‌ها را با بحران‌هایی روبه‌رو سازد و در عین حال رضایت زناشویی را تحت تأثیر خود قرار دهد، ورود به مرحله والدینی است؛ این تکلیف درحقیقت نوعی نقش است که به زوج‌ها واگذار می‌شود. زوج‌ها به این دلیل که تا به حال چنین نقشی را تجربه نکرده‌اند برای ورود به این مرحله نیازمند آمادگی‌ها و همچنین مهارت‌هایی هستند تا بتوانند با چالش‌ها و بحران‌ها سازگار شوند (انجمن شیر و تغذیه^۲، ۲۰۱۰). فرزند در عین حال که یکی از رویاهای مشترک زوج‌ها است از سوی دیگر، سرآغاز لحظات سخت و دشوار هم در نظر گرفته می‌شود. برای این دوره سطحی از اضطراب طبیعی است؛ ولی اضطراب شدید می‌تواند بر تکالیف روزانه و روابط زوج‌ها تأثیر منفی داشته باشد؛ به دلیل نقش جدیدی که زوج‌ها در این مرحله از زندگی گرفته‌اند شاهد تغییراتی در شیوه زندگی و روابط هستیم که این تحولات به خودی خود باعث افزایش استرس و تغییر کیفیت زندگی زوج‌ها می‌شود (مارتینس^۳، ۲۰۱۸). ۹۲ درصد از کسانی که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند، پس از تولد فرزند، تعارض و ناهماهنگی زناشویی بیشتری را نسبت به قبل تجربه می‌کنند (کندیس^۴، ۲۰۱۵)؛ السون^۵ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که زوج‌ها پیش از تولد اولین فرزند، احساس شادکامی و رضایت

1. Gopnik, O'Grady, Lucas, Griffiths, Wentz, Bridgers, & Dahl,
2. breast-feeding
3. Martins
4. Candice,
5. Olson, DeFrain, & Skogrand,

مندی بیشتری از زندگی زناشویی خود دارند، با تولد فرزند این احساس کاهش و در سال‌های میانی با ورود فرزند به سایر مراحل رشدی رضایت مندی مجدداً افزایش می‌یابد.

فرزندآوری، رویدادی ویژه‌ای در زندگی زوج‌ها محسوب می‌شود که مسئول بهبود بهزیستی روانی و ایجاد جوی متفاوت در خانواده است. با ورود فرزند خانواده فضایی مثبت و با نشاط را تجربه می‌کند (سادات صادقی و سرایی، ۱۳۹۵). ادبیات پژوهشی گذشته در تبیین فرزندآوری بیشتر معطوف به نگرش‌های زنان و گاهی مردان بود؛ در حالی که تصمیم‌گیری در جهت فرزندآوری امری زوجی محسوب می‌شود و نه فردی، بنابراین روابط میان همسران بر فرزندآوری مؤثر است (مدیری و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۷).

قهرمانی ۱۳۹۶ در پژوهشی نشان داد که رضایت زناشویی با تصمیم فرزندآوری زوج‌ها ارتباط دارد به طوری که هر چه میزان رضایت زناشویی بیشتر باشد تمایل به فرزندآوری در آنها نیز، بیشتر است و زنانی که تعداد فرزندان بالاتری دارند از زندگی زناشویی خود راضی‌تر هستند. بی‌هراس منفرد و مسچی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتایج دست یافته‌اند؛ داشتن فرزند در میزان اضطراب و نوع دل‌بستگی تاثیرگذار است به طوری که زنان بدون فرزند از نظر سبک‌های دل‌بستگی و اضطراب در روابط زناشویی در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به زنان دارای فرزند هستند. بنسمون و کرش^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ی طولی در یافتند که، کیفیت رابطه زناشویی با سازگاری روان‌شناختی، احساس کارآمدی در والدگری و بهزیستی روانی زنان، رابطه‌ی معناداری دارد.

نهاد خانواده از عوامل مخلفی از جمله اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... تاثیرمی‌پذیرد و در نتیجه تغییر و تحول در جامعه موجب تغییر ساختار در خانواده می‌شود (دهدست، ۱۴۰۱). یکی از موضوعاتی که در ایران دستخوش تغییر و تحول شده

1. Benson, & Kersh

است، کنش فرزندآوری است. داده‌های آماری حکایت از کاهش نرخ باروری در چند دهه‌ی گذشته می‌کند؛ تا جایی که در سال‌های اخیر تعداد فرزندان یک مادر، کمتر از شاخص لازم در جایگزینی نسل‌ها (۲/۱) فرزند به ازای هر زن است. (حسینی و بگی، ۱۳۹۳). در گذشته زوج‌ها زودتر اقدام به فرزندآوری می‌کردند در سال‌های اولیه بعد از ازدواجشان، صاحب فرزند بودند؛ اما امروزه ما شاهد تغییر در سن والدگری زوج‌ها هستیم به طوری که آن را به سال‌های بعد منتقل می‌کنند (شجاعی و عرفانی، ۱۳۹۸). بررسی‌های انجام شده نشان دهنده این هستند که هم‌زمان و با پیروسیاست‌ها و گفتمان رسمی تنظیم خانواده و تهدید مولید، اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز در دو دهه اخیر پیرامون تنظیم خانواده در جهت کاهش نرخ باروری و عوامل مؤثر بر آن بوده است (رضوی زاده، غفاریان و اخلاقی، ۱۳۹۴). در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا با روش کیفی و طبق مصاحبه نیمه ساختار یافته، نقش فرزند را در خانواده‌هایی که حداقل ۷ سال از زندگی مشترکشان گذشته است و رضایت از زندگی دارند و از طرفی حداقل یک فرزند دو ساله را دارند، جويا شويم.

روش

روش به کار گرفته شده برای انجام این پژوهش بر اساس روش تحلیل مضمون بوده است. این رویکرد به طور معمول برای بررسی، شناخت، تبیین و ارائه یک پژوهش کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد تحلیل مضمون این موقعیت را فراهم می‌کند که به شناسایی مضمون‌های مستقیم و غیر مستقیم با توجه به تجربه و نحوه نگاه افراد به مسائل می‌پردازد و سپس آنها را موشکافی کرده و جوهره‌ی اصلی چیستی و چرایی یک واقعه را روشن می‌کند. (بروان و کلارک ۲۰۰۶). برای انجام رویکرد تحلیل مضمون مستلزم جمع‌آوری داده‌های متنی-از طریق مصاحبه هستیم. برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ای با روش نیمه ساختار یافته استفاده شد. مصاحبه ساختار یافته به دلیل

منعطف و عمیق بودن برای استفاده در پژوهش‌های کیفی نسبت به دیگر روش‌ها ارجحیت دارد (خنيفر و مسلمی ۱۳۹۷).

افرادی که در پژوهش فعلی مورد مطالعه قرار گرفتند، ساکن تهران بودند. مشارکت کنندگان در این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به این تحقیق عبارت‌اند از زوج‌هایی که حداقل ۷ سال از ازدواجشان گذشته باشد و حداقل یک بچه ۲ ساله داشته باشند، از زندگی خود به نسبت راضی باشند؛ ساکن تهران و برای مشارکت در پژوهش رضایت آگاهانه داشته باشند.

فرایند جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته، توسط پژوهشگر و با هماهنگی قبلی با مشارکت‌کننده صورت گرفت. مصاحبه گرفتن از مشارکت‌کنندگان تا زمان به اشباع رسیدن داده‌ها ادامه یافت. داده‌ها در مصاحبه شماره ۱۴ به اشباع رسید. در جهت اطمینان بیشتر و تایید داده‌ها ۴ مصاحبه دیگر نیز انجام شد. نمونه پژوهش حاضر را ۱۸ نفر تشکیل دادند که اطلاعات آنها در جدول (شماره ۱) ذکر شده است. مصاحبه نیمه ساختار با چند سؤال باز و کلی مثل «تغییرات و تأثیر فرزند در رابطه زناشویی شما به چه صورت بوده است؟» یا اینکه «با وجود آمدن فرزند شما چه تغییرات شخصیتی در خود احساس کردید؟» و «چه تغییراتی در اجتماع با آمدن فرزندان در زندگی شما به وجود آمد؟» شروع می‌شد. سؤالات بعدی که از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد؛ بر اساس پاسخ آنها و روند مصاحبه بود. در هنگام گرفتن مصاحبه در مواقعی که لازم بود از سؤال‌های اکتشافی «آیا می‌توانید در مورد این موضوع بیشتر توضیح دهید؟» یا «می‌توانید منظور خود را به صورت روشن‌تر بیان کنید؟» استفاده شد، این سؤالات به جهت غنی‌تر ساختن و درک جزئیات بیشتر پرسیده می‌شد. مدت زمان هر یک از مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه به طول می‌انجامید. برای گرفتن مصاحبه از مشارکت‌کنندگان، زمانی از قبل تعیین و در موقعیتی که عوامل حواس

پرتی وجود نداشت انجام شد. داده‌های مربوط به مصاحبه در طول یک دوره ۲ ماهه در مرداد و شهریور ۱۴۰۱ جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد. پیش از شروع مصاحبه با مشارکت کنندگان به دلیل ملاحظات اخلاقی تحقیق، در زمینه اهداف تحقیق و اصول رازداری در پژوهش صحبت شد. به دلیل رعایت اصول رازداری در پژوهش و فاش نشدن هویت شخصی افراد، هنگام پیاده‌سازی مصاحبه به متن از نام‌های متفاوتی استفاده شد. حق کناره‌گیری از مصاحبه در هر مرحله‌ای که مصاحبه‌جو خواستار آن باشد در نظر گرفته شده است. اجازه ضبط شدن صدای مصاحبه از مشارکت‌کننده کسب شد. با توجه به این که رویکرد تحلیل مضمون یک روش توصیفی محسوب می‌شود سعی بر آن شد تا سوگیری‌های ذهنی در هنگام مصاحبه به تعلیق دربیاید. سؤالات مصاحبه نیمه ساختار بدون جهت‌دهی خاص به ذهن مشارکت‌کننده طراحی و اجرا و پس از پیاده‌سازی مصاحبه به صورت متن، برای تحلیل و کدگذاری آماده شد.

زمانی که شواهد نشان دهنده به اشباع رسیدن مصاحبه‌ها بود؛ تعدادی مصاحبه برای تایید اطلاعات و کدگذاری با رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. در این قسمت با استفاده از روش ۶ مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) عملیات پژوهش با رویکرد تحلیل مضمون شروع شد. وهله اول مرحله‌ی آشنایی است که ضبط جلسات مصاحبه چندین بار گوش داده شد، به صورت متن پیاده‌سازی شد و برای دریافت چپستی و چرایی مضامین بارها مطالعه شد. با شروع مرحله کدگذاری، جملاتی که دارای معنای هدفمند بودند به صورت باز کدگذاری شد. مرحله ۳ زمانی که مضامین مورد نظر به صورت کلی کدگذاری و در مرحله بعد کدهایی که شبیه به یکدیگر بودند در یک دسته، طبقه‌بندی شدند تا مضمون‌های هسته اصلی تولید شوند. سپس ادامه مضامین بارها مرور و کدها برای تعلق داشتن به مضامین مربوطه چک شدند. در مرحله بعد مضامین مورد نظر به طور کلی توصیف و نام‌گذاری شدند. در واقع با این روش، ابتدا مضامین تولید و سپس نام‌گذاری شدند. تلاش بر انتخاب نامی بود که بهترین توصیف را از مضمون بدهد. در

مرحله آخر، گزارشی مبتنی بر تحلیل مضامین اطلاعاتی که بهترین روایت از مضامین را داشتند و شواهد موجود، در یکدیگر تنیده شد، در نهایت اطلاعات تحلیلی در قالب یک جدول که شامل مضامین فرعی و اصلی و هسته‌ای است، تنظیم شد که نقش اصلی فرزندآوری را در رضایت زناشویی نشان می‌دهد. پس از تحلیل مصاحبه و مضمون‌ها، دوباره با مشارکت‌کننده‌ها ارتباط برقرار کرده و در مورد صحت اطلاعات اطمینان و تغییرات اعمال شد. در این مرحله نیز با رعایت اپوخه، پژوهشگر سعی در کنار گذاشتن فرضیه‌های پیشین خود در فرایند جمع‌آوری و کدگذاری اطلاعات، قابلیت تصدیق و تضمین اطلاعات را بالا برد. با توجه به تضمین قابلیت اطمینان و کفایت نتایج، از مشورت و راهنمایی افراد صاحب نظر در حوزه موضوع و روش تحقیق بهره برده شد. به جهت بالا بردن قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر به این موضوع توجه شد که مشارکت‌کنندگان در پژوهش از طبقات اقتصادی، اجتماعی و سنی متفاوتی باشند (خدادادی، ۱۴۰۰).

یافته‌ها

با توجه به جدول ۱، بر اساس به اشباع رسیدن اطلاعات در پژوهش از ۱۸ شرکت‌کننده خانم با دامنه سنی ۲۶ تا ۵۴ انجام مصاحبه شد. تحصیلات این افراد از دیپلم تا دکترا متغیر بود.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

کد	سن	جنس	تحصیلات	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزندان
۱	۲۷	زن	لیسانس	۸	۲
۲	۲۹	زن	لیسانس	۷	۱
۳	۵۴	زن	سیکل	۳۶	۴
۴	۳۰	زن	ارشد	۸	۲
۵	۴۴	زن	دیپلم	۲۳	۱
۶	۳۵	زن	لیسانس	۸	۲

کد	سن	جنس	تحصیلات	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزندان
۷	۵۱	زن	لیسانس	۲۷	۳
۸	۵۶	زن	لیسانس	۴۱	۳
۹	۴۰	زن	دکترا	۱۹	۲
۱۰	۴۳	زن	دیپلم	۲۴	۲
۱۱	۳۹	زن	دکترا	۱۱	۲
۱۲	۴۲	زن	دیپلم	۲۵	۲
۱۳	۳۱	زن	دکترا	۷	۱
۱۴	۴۹	زن	دیپلم	۳۲	۳
۱۵	۵۱	زن	لیسانس	۲۷	۲
۱۶	۵۴	زن	فوق دیپلم	۲۸	۲
۱۷	۵۴	زن	دیپلم	۳۱	۲
۱۸	۳۴	زن	لیسانس	۱۳	۱

جدول ۲. مضامین استخراجی از تجارب مشارکت کنندگان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
ورود فرزند تغییرات مثبت در ابعاد شخصی،	رویش شخصی	گسترش مسئولیت پذیری
زناشویی، فرهنگی - اجتماعی ایجاد می‌کند که به	رویش روابط زناشویی	گسترش خود پنداره
افزایش رضایت مندی از رابطه زوجی منجر می‌شود	رویش روابط اجتماعی	صبر صمیمت
		پر بار سازی انسجام زوجی
		تحکیم مرزبندی
		هویت والدینی
		بازنگری در نقش اجتماعی
		گسترش پیوند با خانواده مبدا

اولین مضمون اصلی به دست آمده به تحولات شخصی زوجه مرتبط می‌شد که تحت عنوان رویش‌های شخصی شناسایی شد. این مضمون، از مضامین فرعی گسترش مسئولیت‌پذیری، گسترش خود پنداره و صبر تشکیل گردید. در مصاحبه‌ها به مضامینی

همچون: افزایش تاب‌آوری، افزایش احساس مسئولیت، آگاهی نسبت به خود و... استخراج شد. در ادامه نمونه‌های از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:
خانم (۴۵ساله): صبر آدم خیلی تغییر می‌کنه قبلاً اولویت‌های چیز دیگه بود اما الان اولویت می‌شه بچه و می‌گه اگر اون‌ها نبودن، تحمل و تاب‌آوری در مسائل این قدر بیشتر نمی‌شد. تحمل نسبت به مسائل خیلی بیشتر شده با مشکلات خیلی راحت‌تر رو به رو میشم.

خانم (۵۹ساله): یک سری آگاهی‌ها و بینش‌ها روی خودم بیشتر شده؛ انسان کامل‌تری شدم. رشد کردم و بزرگ‌تر شدم

خانم (۳۵ساله): در دوران مجردی یک سری خصوصیات رو نداشتم؛ به مرور زمان اضافه شد. مثلاً احساس مسئولیت، اقتصادی بودن و به آینده فکر کردن.

دومین مضمون اصلی به دست آمده به تحولات در رابطه زوجی زوجه مرتبط می‌شد که تحت عنوان رویش‌های رابطه زناشویی شناسایی شد. این مضمون، مضامین صمیمیت، استحکام در روابط، مرزبندی و ایجاد هویت والدینی تشکیل‌گردید. در مصاحبه‌ها به مضامینی همچون: درک بهتر، رشد، افزایش صمیمیت، افزایش مرزبندی، احترام و... استخراج شد. در ادامه نمونه‌های از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

خانم (۳۲ساله): ما سعی کردیم خیلی اون دوست داشتن و نحوه ابرازمون رو و حتی نگاه کردن و حتی تشکر کردن رو بیشتر تاکید کنیم. در کل احساسات همدیگه رو بهتر درک می‌کردیم. کمک و همکاری می‌کردیم. خیلی از حس‌ها با وجود بچه عمیق‌تر می‌شه. از حالت سطحی و کلامی خارج میشه. من حس می‌کنم از حالت کلامی خارج میشه. هم اینکه خودمون بزرگ‌تر شدیم. من حس می‌کنم در کنار بچه‌ها اون رشد کردن را تجربه کردیم.

خانم (۳۰ساله): بحث احترام خیلی مهمه. وقتی بچه‌ها نبودن خیلی راحت بودیم

واسه زدن یک سری حرفا و مثلاً بحث‌هایی که پیش میاد. ولی با اومدن بچه‌ها خیلی هر دو حساسیم که صحبت‌های جنجالی و حرف‌هایی که موجب دعوا می‌شود را جلوی بچه‌ها نزنیم. چه زمانی صحبت کنیم و چه زمانی آرامش داریم را مدیریت کنیم. و سعی می‌کنیم اگر بحثی هست جلوی بچه‌ها نباشه که از این موضوع آسیب نبینند.

خانم (۳۰ساله): در رابطه با همسرم حجم محبت بینمون خیلی بیشتر شده تحملمون نسبت به مسائل و همدیگه خیلی بیشتر شده و شاید تا قبل از فرزند خیلی زودتر واکنش نشان می‌دادیم ولی با وجود فرزند این اتفاق نمی‌افته. سطح صمیمیت خیلی بیشتر شده. احترام گذاشتن چون ما دوتا نقش جدید گرفتیم حمایتی که از هم دیگه می‌کنیم در جایگاه پدر و مادر خیلی بیشتر شده و متفاوت تر شده. وجه اشتراک بین دو نفر بیشتر میشه؛ صحبت بیشتری باهم دارن شاید تا قبل اون خیلی حرف نداشته باشند که با هم بزندن ولی با اومدن بچه در رابطه، درباره‌ی شیرینی‌ها یا مشکلات بچه با هم صحبت می‌کنند.

خانم (۴۹ساله): بچه به نوعی باعث استحکام و پایداری در زندگی می‌شه و باعث میشه پیوند و استحکام بین زن و شوهر بیشتر بشه. بچه روابط را طوری دیگه محکم می‌کنه.

سومین مضمون اصلی به دست آمده به تحولات در ارتباطات اجتماعی مرتبط می‌شد که تحت عنوان رویش‌های رابطه اجتماعی شناسایی شد. این مضمون، مضامین بازنگری در نقش اجتماعی و گسترش پیوند با خانواده مبدا تشکیل گردید. در مصاحبه‌ها به مضامینی همچون؛ تغییر در اولویت‌ها، تغییر جهت فعالیت‌ها، ارتباط بیشتر با خانواده مبدا.. استخراج شد. در ادامه نمونه‌های از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است.

خانم (۳۰ساله): نوع کار کردن عوض می‌شه شاید تا قبل از فرزند من کارای خیلی متفاوت‌تر و بیشتری را می‌تونستم انجام بدم اما با وجود فرزندم اون کمال‌گرایی تغییر

می‌کنه و من باید بین نقش مادر بودن و دکتر بودن و دانشمند بودن یک تعدیلی بتونم ایجاد می‌کنم؛ بخاطر همین در روابط اجتماعی یکسری خلل‌ها به وجود میاد من دیگه مثل قبل نمی‌تونم با دوستانم رفت‌وآمد بکنم و زمان محدودتر شده؛ بیشتر با کسانی رفت‌وآمد می‌کنم که بچه‌ای هم سن بچه من داشته باشند تا بچه‌ها هم بتونه با اونا بازی بکنه خودم شاید تا قبل از این توی کتاب‌فروشی‌ها می‌رفتم دانشگاه می‌رفتم اما الان فعالیت اجتماعی شکلش عوض شده محدود نشده ولی نوعش عوض شد و از این رضایت دارم و مشکلی نیست من دوست دارم کلاکار کردن رو کنار گذاشته من کاری رو انتخاب کردم که هم به کارام برسم و هم به تربیت فرزند.

خانم (۴۰ساله): خانواده‌ها به دلیل اضافه شدن یک عضو جدید امید و انگیزشون بیشتر میشه و ارتباطات بیشتر میشه و چون دیگه نوه اومده و میخوان بیشتر ببیننش؛ پیوند بیشتری برقرار میشه. روابط اجتماعی اینجوری میشه که ادم سعی می‌کنه با کسانی رفت‌وآمد کنه که بچه داشته باشن و شرایط و تفریحات یکسان داشته باشند. به فرض وقتی بچه داری مثلاً پارکی بری که وسیله بازی داشته باشه. اینا یک سری جزئیاته ولی رو مسائل بزرگ‌تر هم تأثیر داره. وقتی با یه نفر که بچه داره ارتباط داری اون پیوند بیشتر میشه. چونکه یک عضوی وارد خانواده شده که بقیه بهش حس تعلق دارند و دوست دارند بیشتر ببینند

خانم (۴۳ساله): خیلی حمایت خانواده رو داشتم و یه وقتایی بچه‌ها رو می‌دادم که نگه دارن. خانواده‌ها به دلیل اضافه شدن یک عضو جدید امید و انگیزشون بیشتر شد و ارتباطات ما هم با آنها بیشتر شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش فرزند در ابعاد شخصی، زوجی و اجتماعی مادران است. پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون و پدیدارشناسانه به کمک مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد و نقش ۳ عامل متغیر، پس از ورود فرزند بر خانواده و

تأثیرات آن بر رضایت زناشویی و ساختار خانواده پس از فرزندآوری بررسی شد. عوامل مورد بررسی عبارت‌اند از: ۱- تغییرات شخصیتی والد پس از ورود فرزند ۲- تأثیرات و تغییراتی که حضور فرزند بر فاکتورهای رابطه با همسر می‌گذارد ۳- تغییراتی که فرد پس از فرزندآوری با حضور در اجتماع احساس می‌کند. سپس با بررسی معیارهای ورود به مقاله مصاحبه‌ها انجام شده است.

ازدواج یکی از مهم‌ترین مسیرها برای معنابخشی به زندگی است (ساینا، ۲۰۱۶). در ازدواج، افراد از نظر فردی و اجتماعی به رشد و تکامل می‌رسند و عشق، حمایت و عاطفه را در بالاترین سطح تجربه می‌کنند (سیگل، دکل و اسوتلیتزکی^۱، ۲۰۲۱). مسئله مهم مطرح شده در این مقاله کیفیت ارتباط زناشویی و عواملی است که به ثبات و دوام روابط زناشویی کمک می‌کند.

بررسی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مادران معتقدند از زمان به دنیا آمدن فرزندان، رشد شخصیتی مثبت در جهت‌های مختلفی مانند مسئولیت‌پذیری، افزایش صبر و بردباری، حل مسئله و توانمندی شخصی بیشتری را تجربه کرده‌اند. نکته جالب توجه این است که در بیشتر موارد مادران تکامل شخصیتی خود را پس از ورود فرزندان در زندگی به شکل بسیار پررنگی احساس می‌کردند؛ آنها معتقد بودند که زندگی به دو دوره قبل و بعد از حضور فرزند تقسیم می‌شود. فرزندآوری در اغلب افراد، موجب افزایش رضایت زناشویی و صمیمیت زوجی می‌شود. به اعتقاد مادرانی که در دهه ۴۰ یا ۵۰ زندگی خود به سر می‌بردند با وجود سختی‌های فراوان پس از گذر از دوره‌های رشدی کودکان رسیدن آنها به استقلال، به احساس خوشبختی و رضایت بالایی از زندگی می‌رسند.

سال‌هاست والدین به داشتن تنها یک فرزند روی آورده‌اند از جمله عوامل مرتبط با آن می‌توان به: مشکلات مالی و تربیتی خانواده‌ها و پیچیده شدن مسائل خانوادگی که در

1. Siegel, Dekel, & Svetlitzky

اثر چند فرزندی ایجاد می‌شود اشاره کرد (پیک هارت^۱، ترجمه حاجی زاده، ۱۳۸۴).
 براون و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقات خود نشان داده‌اند که با آمدن فرزندان به خانواده، استرس‌های والدینی خصوصاً به والد مادر، فشار بیشتری وارد می‌سازد و اگر همسر نقش حمایتی و همکاری داشته باشد رضایت زناشویی کاهش نمی‌یابد؛ زوج‌ها با حضور فرزند، در رابطه زناشویی احساس حمایت بیشتری را دریافت می‌کنند و هر دو والد به سازگاری شخصی بیشتری می‌رسند. همچنین همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، نشان دادند که پررنگ شدن روابط خانوادگی، اعتماد، صمیمیت و حمایت زوج‌ها را بالا می‌برد.

همچنین، تحقیقات هارپر و همکاران^۳ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که انتظارات والدین با وجود فرزندان تقسیم‌کار، همکاری در برنامه‌ریزی، انرژی و پول است و در صورت تفاهم و همکاری والدین با یکدیگر رضایت زناشویی بالا می‌رود. زمانی که هر دو والد از مهارت‌های همدلی برخوردار بودند؛ رضایت زناشویی و فرزندآوری افزایش می‌یابد (کامیساکاسا، بلاسی و میرگلی^۴ ۲۰۱۸). تحقیق طولی بردبوری و کارنی^۵ (۲۰۱۹) که با بررسی ۱۰ سال رابطه انجام شد؛ نشان می‌دهند که در طول زمان و با حضور فرزندان رضایت زناشویی پایدار افزایش می‌یابد.

عشق و علاقه بین زن و شوهر پس از حضور فرزندان عمیق‌تر شده و با وجود همکاری و هماهنگی والدین در زمینه تربیت فرزند، در نهایت فرزندآوری استحکام و دوام ارتباط را بالا می‌برد (گلدن برگ و گلدن برگ، ۲۰۱۲). با حضور فرزند به مرور زمان، والدین هویت والدینی خود را شکل می‌دهند و معتقدند که از احترام، رسمیت و حمایت بیشتری در جامعه برخوردار می‌شوند.

1. Pickhart, Carl
2. Brown, Whiting, Kahumoku- Fessler, Witting, & Jensen
3. Juliani, Berges, Teng, Cohen, Harper, Elion, & Lange
4. Di Blasio, Camisasca, & Miragoli,
5. Ross, Karney, Nguyen, & Bradbury

این پژوهش به خودی خود دارای محدودیت‌هایی است؛ از محدودیت‌های قابل توجه این پژوهش می‌توان به نمونه مورد مطالعه که از مادران دارای فرزند با رضایت زناشویی دارای حداقل ۷ سال سابقه زندگی مشترک بوده است؛ لذا تعمیم این نتایج به تمام مادران نیازمند احتیاط است. روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و نمونه‌گیری در دسترس دارای محدودیت‌های ذاتی خود هستند. با این حال این پژوهش می‌تواند دستمایه پژوهش‌های دیگر جهت دستیابی به اطلاعات جامع در رابطه با سایر رویش‌ها باشد. مفاهیم مهمی همچون گسترش مسئولیت‌پذیری، گسترش خودپنداره، صبر، صمیمیت، پربارسازی انسجام زوجی، تحکیم مرزبندی و ایجاد هویت والدینی، بازنگری در نقش اجتماعی و گسترش پیوند با خانواده مبدا نیازمند واکاوی و روشن سازی است که پژوهش‌های مجزا را می‌طلبد.

با توجه به نتایج این پژوهش و در راستای حمایت از فرزندآوری و تحکیم خانواده پیشنهادهایی ارائه می‌شود؛ بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان پیشنهاد داشت که مفاهیم مثل صبر که بومی و وابسته به زمینه هستند از یک سو و ساز و کار رویش‌ها در ابعاد شخصی، زناشویی و اجتماعی از سوی دیگر نیازمند پژوهش گسترده است. از منظر کاربردی، یافته‌ها مویید این مطالب است که گفتمان سازی حول دستاوردها و تجارب مثبت و پایدار فرزندآوری اهمیت روز افزون دارد؛ بازنگری در هویت زناشویی، روابط بین فردی و تعامل با خانواده مبدأ عنصری لازم برای تجربه دستاوردها و رویش‌های فرزندآوری است که می‌تواند برای والدین و همچنین مشاوران و متخصصان خانواده قابل توجه باشد.

- ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.
- سهم نویسندگان: تمامی نویسندگان در مراحل پژوهش با یکدیگر همکاری

داشته‌اند.

- **حمایت مالی:** این مقاله همسو با برنامه‌ی هسته‌ی پژوهشی نویسنده مسئول تحت عنوان « بررسی تجارب مثبت زنان از مادر شدن » تحت حمایت مالی- معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌ها را تقبل نموده‌اند.
- **تعارض منافع:** یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.
- **قدردانی:** از کلیه‌ی زنان متأهل شهر تهران که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- بی‌هراس منفرد، زهرا؛ مسچی، فرحناز. (۱۳۹۷). مقایسه بین عملکرد جنسی و سبک‌های دلبستگی در زنان دارای فرزند و بدون فرزند مراکز بهداشتی مناطق ۳ و ۴ شهر تهران، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.
- پیک هارت، کارل. (۱۳۸۴). کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند. ترجمه حاجی زاده، مسعود. انتشارات صابری، چاپ هشتم.
- حسینی، حاتم؛ بگی، بلال. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزند دآوری زنان همسر دار مراجع‌کننده با مراکز بهداشتی- درمانی همدان در سال ۱۳۹۱: نشریه علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. ۱۱(۱۸)، ۳۵-۴۳
- خدادادی سنگده، جواد؛ کلائی، اعظم؛ گوهری پور، مرتضی. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی رضایت از در بستر خانواده سالم مبنی بر بافت فرهنگی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۱): ۲۷-۶۰
<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.41451.2129>
- خدادادی سنگده، جواد. (۱۴۰۰). شناسایی دلایل شکل‌گیری تعارض زناشویی در دوران عقد. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۸): ۲۵-۵۴.
<https://doi.org/10.22054/qccpc.2021.62628.2758>
- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید. (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نشر نگاه دانش.
- دل‌داده مقدم، مه‌رنگیز؛ باقری، نسرین (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی زوجین بر پایه رفتارهای واپایی و تفسیر دشواری‌ها. نشریه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۳(۱)، ۲۱-۴۰.
<https://doi.org/20.1001.1.24234869.1396.3.1.7.0>

دهدست، کوثر. (۱۴۰۱). استعاره‌های جوانان ایرانی از ازدواج مبتنی بر نظریه استعاره شناختی. پژوهش‌های مشاوره. ۱۴۰۱؛ ۲۱(۸۱): ۳۸-۵. <https://doi.org/20.1001.1.2717400.1401.21.81.5.7>

رجبی، غلام رضا؛ کریمی وردجانی، محمد؛ تقی پور، منوچهر. (۱۳۹۷). ارزیابی مدل رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجیگری‌های تعهد زناشویی و همدلی زناشویی در پرستاران. ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۶(۶): ۴۴۴-۴.

رضوی زاده، ندا؛ غفاریان، الهه؛ اخلاقی، آمنه. (۱۳۹۴). زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری؛ مورد مطالعه: زنان مشهد. نشریه راهبرد فرهنگ دوره هشتم، شماره صفحات از ۷۳ تا ۹۸.

شجاعی، جواد؛ عرفانی، امیر. (۱۳۹۸). روند و الگوی تک‌فرزند در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۶(۸۵)، ۸۹-۱۰۴. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.38397.2012>

فتحی، الهام؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ دانش پور، منیژه. (۱۳۹۵). ارائه مدل ازدواج رضایت‌مند در فرهنگ ایران. فصلنامه علمی-پژوهش در سلامت روان شناختی، ۱۰(۲): ۲۶-۱۰.

فرازی، زهرا؛ نامنی، براهیم؛ نجات، حمید؛ صفاریان، محمدرضا. (۱۴۰۱). تعیین اثربخشی ترکیب دو روش خانواده درمانی بافتنگر و ساختاری بر همبستگی و راهبردهای مقابله‌ای زوجهای دارای نارضایت زناشویی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران جلد ۱۱(۵۱)، ۱۱۲-۸۴.

[doi:10.18502/qjcr.v22i82.10112](https://doi.org/10.18502/qjcr.v22i82.10112)

کریمی، سارا؛ اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان تاب‌آوری با سازگاری زناشویی معلمان زن. مجله علوم روانشناختی ۱۲(۸۷) ط ۲۹۸.۲۹۱.

<http://dori.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.87.8.8>

مدیری، فاطمه؛ قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری. جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۲(۵)، ۷۳-۹۴. [Doi: 10.22080/ssi.1970.2133](https://doi.org/10.22080/ssi.1970.2133)

Ay,E, & Okanli, A (2018). An Analysis of Marital Satisfaction and Perceived Social. <http://dx.doi.org/10.29252/jhc.21.1.34> Bottom of Form

Bachem, R., Levin, Y., Zhou, X., Zerach, G., & Solomon, Z (2018). The role of parental posttraumatic stress, marital adjustment, and dyadic self-disclosure in intergenerational transmission of trauma: a family system approach. Journal of marital and family therapy, 44(3), 543-555.

<http://dx.doi.org/10.1111/jmft.12266>

Benson, P. R., & Kersh, J (2011). Marital quality and psychological adjustment among mothers of children with ASD: Cross-sectional and longitudinal relationships. Journal of autism and developmental disorders, 41(12), 1675- 1685. <http://dx.doi.org/10.1007/s10803-011-1198-9>

Biharas Mofard, Z. & Meschi, F (2017). Comparison between sexual performance and attachment styles in women with children and without children in health centers in areas 3 and 4 of Tehran, 6th scientific research conference of educational sciences and psychology, social and cultural harms of Iran, Tehran. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.022>

- Braun, V. & Clarke, V .(2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
<http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- breast-feeding, P. o. C. a. A. P. A. i. c. w. t. A. o. P. o. p .(2010). – Principles and methods used in parenting. Tehran: Publications promoting breastfeeding.
- Brown, M., Whiting, J., Kahumoku-Fessler, E., Witting, A. B., & Jensen, J. (2020). A dyadic model of stress, coping, and marital satisfaction among parents of children with autism. *Family Relations*, 69(1), 138-150
<http://dx.doi.org/10.1111/fare.12375>
- Camisasca, E., Miragoli, S., Di Blasio, P., & Feinberg, M .(2019). Co-parenting mediates the influence of marital satisfaction on child adjustment: The conditional indirect effect by parental empathy. *Journal of Child and Family Studies*, 28(2), 519-530.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-018-1271-5>
- Candice, N .(2015). Changes in relationship satisfaction across the transition to parenthood: baby-proofing marriage through couple therapy. (Unpublished doctoral dissertation). The Faculty of the School of Human Service Professions, Widener University context based on cultural context. *Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 11(41):27-60
- Daneshpour, M., Asoodeh, M. H., Khalil, S., Lavasani, M. G., & Dadras, I .(2011). Self-described happy couples and factors of successful marriage in Iran. *Jornal of systemic therapies*, 30 (2), 43-64
- Dehdest, K .(1401). Iranian youth's metaphors of marriage based on the banner of cognitive metaphor theory. *Consulting research*. 1401; 21(81): 5-38.
<http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v21i81.9489>
- Deldade Moghadam, M & Bagheri, N .(2016). Prediction of marital conflicts of couples based on mutual behaviors and interpretation of difficulties. *Pathology, counseling and family enrichment*, 3(1), 21-40.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.24234869.1396.3.1.7.0>
- Di Blasio, P., Camisasca, E., & Miragoli, S .(2018). Childbirth related post-traumatic stress symptoms and maternal sleep difficulties: Associations with parenting stress. *Frontiers in psychology*, 9, 2103
<http://dx.doi.org/10.3389/fpsyg.2018.02103>
- Elgar, F.J., Craig, W.,& Trites, S .(2012). Family Dinners, Communication, and Mental Health in Canadian Adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 4 (2), 11- 19.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.jadohealth.2012.07.012>
- Fahti Esmaili, A; Farahbakhsh K & Daneshpour, F .(2015). (Presenting the model of satisfactory marriage in Iranian culture. *Scientific Quarterly-Research in Psychological Health*, 10(2). 26-10. JR_RPH-10-2_002
- Farazi Z, Nameni A, Nejat H & Safarian M .(1401). Determining the effectiveness of the combination of two contextual and structural family therapy methods on the correlation and coping strategies of couples with marital dissatisfaction. *Scientific Quarterly Journal of Consulting Research of Iran Consulting Association*, Volume 11(51), 112-84.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717400.1401.21.82.8.2>

- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). Family therapy: An overview: Cengage learning.
- Gopnik, A., O'Grady, S., Lucas, C. G., Griffiths, T. L., Wente, A., Bridgers, S., & Dahl, R. E. (2017). Changes in cognitive flexibility and hypothesis search across human life history from childhood to adolescence to adulthood. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 114(30), 7892-7899
<https://doi.org/10.1073/pnas.1700811114>
- Gharmani, F. (2016). Correlation of marital satisfaction with childbearing characteristics of women referring to health centers
- Hittner, E. F. & Haase, C. M. (2021). Empathy in context: Socioeconomic status as a moderator of the link between empathic accuracy and well-being in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(5), 1633-1654
<https://doi.org/10.1177/0265407521990750>
- Hosseini, H & Say, b. (2013). Economic, social, cultural and demographic determinants of the propensity of having children of married women visiting Hamedan health centers in 2011: scientific-research journal of Kermanshah University of Medical Sciences. 1(18), 35-43
<https://doi.org/10.22110/jkums.v18i1.1578>
- Juliani, A., Berges, V. P., Teng, E., Cohen, A., Harper, J., Elion, C & Lange, D. (2018) Unity: A general platform for intelligent agents. arXiv preprint arXiv:1809.02627. arXiv:1809.02627v1
- Karimi, S. & Ismaili, M. (2019). Investigating the relationship between resilience emotion regulation strategies and marital adjustment of female teachers. *Journal of Psychological Sciences*.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.87.8.8>
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on marital satisfaction and stability in the 2010s: Challenging conventional wisdom. *Journal of marriage and family*, 82(1), 100-116. <https://doi.org/10.1111%2Fjomf.12635>
- Khanifar, H & Muslimi, N. (2017). Principles and basics of qualitative research methods. Tehran: Negha Danesh Publication.
<https://doi.org/10.22124/jsmd.2023.6698>
- Khodadadi Sangdeh, J. (1400). Identifying the reasons for the formation of marital conflict during marriage. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*. 12(48):54-25. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2021.62628.2758>
- Khodadadi Sangdeh, J. Kalai, A & Goharipour, M. (2019). Development of a conceptual model of satisfaction in a healthy family.
<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.41451.2129>
- Mark, K. M., & Pike, A. (2017). Links between marital quality, the mother-child relationship and child behavior: A multi-level modeling approach. *International Journal of Behavioral Development*, 41(2): 285-294.
<http://dx.doi.org/10.1177/0165025416635281>
- Martins, C. A. (2018). Transition to parenthood: consequences on health and well-being. A study. *Enferm Clin*. <https://doi.org/10.1016/j.enfcli.2018.04.005>

- Mazzuca, S. , Kafetsios, K. , Livi, S. , & Presaghi, F. (2019). Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36 (9) , 2880-2895
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0265407518804452>
- Moderi, F& Qazi Tabatabai, M. (2017). Investigating the effect of the quality of married life on the intention to have children. *Sociology of Social Institutions*, 5(12), 73-94.
- Olson, D., DeFrain, J & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. McGraw Hill.
- Pickhart, Carl (2004). *Education keys for single child parents*. Rejmeh Hajizadeh, Massoud. Sabrin Publications. 8th edition.
- Rajabi, G., Karimi Vardanjani, M. & Taghipour, M .(2017). Evaluation of the model of the relationship between the family of origin and marital satisfaction with the mediation of marital commitment and marital empathy in nurses. *Urmia School of Nursing and Midwifery Monthly*, 16(6):444-4.
 Support in Mothers with Cancer-Diagnosed Children. *International Journal of Carin Sciences*, 145-156.
- Ross, J. M., Karney, B. R., Nguyen, T. P., & Bradbury, T. N (2019). Communication that is maladaptive for middle-class couples is adaptive for socioeconomically disadvantaged couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 116(4), 582. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pspi0000158>
- Sapna, S. (2016). Satisfaction Level of Worker to Welfare Law. *International Journal of Science Technology and Management*, 5(1), 10-22.
- Shaarini Nejad, A. (2012) *Developmental Psychology*. Tehran: Information Publications.
- Siegel, A. Dekel, R. & Svetlitzky, V. (2021). The Contribution of Empathy to the Adjustment of Military Veterans and Their Female Partners. *Family Relations*, 70(2), 437-451. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/fare.12523>
- Shujaei, J.; Erfani, A .(2018). The trend and pattern of one child in Iran. *Social Science Quarterly*, 26(85), 89-104.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2019.38397.2012>
- Sorek, Y. (2019). Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes. *Children and Youth Services Review*, 107, 104533. <http://dx.doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.104533>
- Vanover, B. (2016). *Important Factors in Marital Success and Satisfaction: Marriage Counselors' Perspectives*

